

- حادثه‌ها**

۴ کشته و ۳۳ زخمی بر اثر آواژگونی توپوتا

● واژگونی توپوتای حامل اتباع افغان چهار کشته و ۳۳ زخمی به جا گذاشت. پیرحسین کولیوند، سرپرست سازمان اورژانس کشور، درباره جزئیات واژگونی توپوتای حامل افغانه گفت: این حادثه حوالی ساعت ۱۵:۳۸ یکشنبه در ۶۵کیلومتری خاش-سراوان در سیستان‌وبلوچستان رخ داده است. وی افزود: پس از تماس با سامانه ۱۱۵ اورژانس بلافاصله پنج دستگاه آمبولانس به محل حادثه اعزام شدند. وی همچنین گفت: متأسفانه در این حادثه چهار نفر جان خود را از دست دادند و ۳۳ نفر مجروح شدند که به وسیله تکنیسین‌های اورژانس به نزدیک‌ترین مرکز درمانی انتقال یافتند.

سرباز وظیفه در جریان مهار آتش‌سوزی در ایلام جان باخت

● بخشدار چوار گفت: سرباز وظیفه‌ای که در مهار آتش‌سوزی بخش شره زول چوار مشارکت داشت، دچار سانحه شده و جانش را از دست داد. ایوب چراغی بیان کرد: این سرباز وظیفه اهل شهرستان اهواز، مرکز استان خوزستان، است. وی افزود: این سرباز در جریان مهار آتش دچار حریق شده و به علت شدت جراحات جانش را از دست داده و جسد وی به پزشکی قانونی برای طی‌کردن مراحل قانونی منتقل شده است. چراغی یادآور شد: آتش‌سوزی در روستای بالادست منطقه آترای چوار از ظهر یکشنبه شروع و به‌تدریج بر وسعت و شدت آتش افزوده شد.

۲۱ نفر در تهران غرق شدند

● اداره کل پزشکی قانونی استان تهران اعلام کرد: در چهار ماه نخست امسال ۲۱ مورد فوت ناشی از غرق‌شدگی به مراکز پزشکی قانونی استان تهران ارجاع شد. اداره کل پزشکی قانونی استان تهران اعلام کرد: در چهار ماه امسال ۲۱ نفر بر اثر غرق‌شدگی جان خود را از دست داده‌اند که این تعداد در مقایسه با مدت مشابه سال قبل که تعداد فوت ناشی از غرق‌شدگی ۱۷ نفر اعلام شده بود، ۲۳ درصد افزایش یافته است. همچنین از کل قربانیان غرق‌شدگی در چهار ماه نخست امسال ۲۱ نفر مرد بوده‌اند و در تیرماه نیز آمار فوت ناشی از غرق‌شدگی چهار مورد بوده است.

پسر جوان گردن دوستش را با چاقو برید

● درگیری دو پسر جوان در یک مغازه مرغ‌فروشی به قتل یکی از آنها منجر شد. ساعت ۱۶:۲۰ روز یکشنبه مأموران کلانتری ۱۱۴ غایبی با بازپرس کشیک قتل پایتخت تماس گرفته و وقوع یک فقره قتل در یک مغازه مرغ‌فروشی در خیابان آیت‌الله سعیدی را به بازپرس اعلام کردند. دقایقی بعد از اعلام این خبر، قاضی مرادی، بازپرس ویژه قتل پایتخت، به همراه اکیپ تشخیص هویت آگاهی در صحنه جرم حاضر شده و مشغول تحقیقات درباره این پرونده شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد قاتل و مقتول کارگر مغازه مرغ‌فروشی و افغانستانی بودند که قاتل (پسر ۲۰ساله) با یک ضربه چاقو به گردن مقتول (پسر ۱۸ساله) مرتکب قتل شده و سپس از محل فریخته بود. بازبینی‌های مداربسته حاکی از آن بود که مقتول داخل مغازه مشغول جابه‌جایی مرغ بوده که ناگهان پایش به قاتل خورده و همین موضوع موجب درگیری قاتل و مقتول شده بود، در نهایت مقتول از مقابل مغازه یک یک بیل برداشته، به سمت قاتل حمله‌ور شده بود و قاتل با یک ضربه چاقو به گردن مقتول، وی را از پای درآورد و متواری شده است. در نهایت با دستور قاضی مرادی، بازپرس امور جنایی تهران، جسد مقتول برای بررسی بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات برای بازداشت متهم فراری ادامه دارد.

دستگیری ۲ سارق پیش و سابقه‌دار

● رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ از دستگیری دو سارق سابقه‌دار در پایتخت خبر داد. سرهنگ کیوان ظهیری اظهار کرد: مأموران کلانتری ۱۰۶ نامجو زمانی که در جریان سرقت از زن میان‌سالی در یکی از خیابان‌های محدوده حوزه استحفاظی این کلانتری قرار گرفتند، بلافاصله دست‌به‌کار شده و تحقیقات گسترده‌ای را برای دستگیری متهمان آغاز کردند. وی در ادامه افزود: در همان مراحل ابتدای تحقیقات مأموران موفق شدند با استفاده از تصاویر دوربین مداربسته و کارهای اطلاعاتی سارق ۳۰ساله را که با یک دستگاه موتورسیکلت دست به سرقت از زن میان‌سال زده و در جریان سرقت، مال‌باخته را نیز به‌شدت مجروح کرده بود، شناسایی و دستگیر کنند. رئیس‌پلیس پیشگیری تهران بزرگ گفت: صبح دیروز زن جوانی به پلیس مراجعه کرد و از سرقت گوشی تلفن‌همارش به وسیله مرد جوانی خبر داد. مأموران بلافاصله دست‌به‌کار شده و با کارهای اطلاعاتی و فنی سارق را شناسایی و دستگیر کردند. سرهنگ ظهیری ادامه داد: پس از دستگیری سارق حرفه‌ای او به ۳۰ فقره سرقت در نعمت‌آباد، فلاح، نواب و شهرک ولیعصر اعتراف کرد.

شرق: مردی که دختر خود را کشته است، پس از چند روز بازجویی فنی در اداره آگاهی تهران به جرم خود اعتراف کرد.
به گزارش خبرنگار ما، چند روز پیش بازپرس کشیک قتل تهران از انتقال جسد دختر ۱۲ ساله‌ای به بیمارستان «پهارلو»تهران مطلع شد و پس از آن دستور حضور اکیپ پزشکی قانونی و تیم صحنه جرم پلیس آگاهی در بیمارستان را صادر کرد. در تحقیقات انجام‌شده پزشکان اورژانس گفتند: یک‌پسر بی‌جان دختر ۱۲ ساله را پدرش به بیمارستان انتقال داده است. پزشکان قانونی نیز علت مرگ را خفگی اعلام کردند.

بنابراین پدر این دختر مورد بازجویی قرار گرفت و گفت: من ساعت ۸:۳۰ به خانه آمدم ولی کلید نداشتم. به کمک همسایه‌ها در را باز کردم و داخل شدم. آن موقع بود که دیدم دخترم گوشه خانه افتاده است. وقتی بالای سر او رفتم، دیدم نفس نمی‌کشد. برای همین فوری او را به بیمارستان رساندم که دکترها گفتند دیر شده است. در ادامه، از مادر خانواده نیز تحقیق و بازجویی شد و او گفت: من برای خرید از خانه خارج شدم و تا آن موقع همه چیز عادی بود. در ادامه روند رسیدگی به پرونده، دشتبان، بازپرس شعبه دهم دادرسی جنایی تهران که مسئولیت رسیدگی به پرونده را بر عهده داشت، دستور

در ادامه، از مادر خانواده نیز تحقیق و بازجویی شد و او گفت: من برای خرید از خانه خارج شدم و تا آن موقع همه چیز عادی بود. در ادامه روند رسیدگی به پرونده، دشتبان، بازپرس شعبه دهم دادرسی جنایی تهران که مسئولیت رسیدگی به پرونده را بر عهده داشت، دستور

نوازنده محکوم به قصاص آزاد شد؛ یک زندانی دیگر در انتظار کمک‌های مردمی

شرق- شهریار کریمی: نوازنده محکوم به قصاص قصرشیرینی با کمک هم‌وطنان نیکوکار آزاد شد. ۱۹ ماه تلاش نیکوکاران برای رهایی نوازنده چیره‌دست قصرشیرینی از چوبه دار منترنم واقع شد و این جوان هنرمند از اجرای حکم قصاص نجات پیدا کرد و از زندان آزاد شد. تلاش برای نجات «جواد» ابتدا از طریق روزنامه «شرق» کرمانشاه آغاز شد و پس از آن با پیگیری‌های روزنامه سراسری «شرق»، گروه خبریه یاران نجات و همراهی دو نشریه برخطاطب استان کرمانشاه به پایانی خوشی ختم شد و علاوه بر آزادی این نوازنده محکوم به قصاص، با باقی‌مانده وجه دیه درخواستی اولیای‌دم مقتول، یک جوان ۳۰ ساله که به‌خاطر مبلغ دو میلیون تومان به مدت هفت ماه در زندان دیزل‌آباد کرمانشاه محبوس بود نیز از زندان آزاد شد. بر اساس محتویات دادنامه، حدود ظهر ۱۸ شهریور ۱۳۹۰، جواد برای سرکشی به برادر کوچک‌ترش وارد بازارچه مرزی پرویزخان شد و با صحنه درگیری بردارش با جوان قوی‌هیکلی به نام «محمد» مواجه شد. جواد با مشاهده صحنه کتک‌خوردن برادرش با سرعت به طرف محمد دوید. محمد با عجله از صحنه درگیری به‌سمت تپه بلندی که در نزدیکی بازارچه وجود داشت، رفت. اما از آن تپه سقوط کرد. جواد خود را به محمد رساند و او را از درگیری مجدد با برادرش منع کرد و سپس به‌همراه برادرش به منزل بازگشت. شب‌هنگام جواد تصمیم گرفت به محل سقوط محمد از تپه بازگردد. جواد پیش از این درباره روز حادثه گفته بود: «هنگامی که به بالای تپه رسیدم، محمد را دیدم که بی‌حرکت روی همان تخته‌سنگ که سقوط کرده، دراز کشیده بود. تعجب کردم و به او نزدیک شدم، چند بار او را صدا زدم اما پاسخی نشنیدم. او را تکان دادم و دیدم هیچ صدایی از او

نمی‌آمد. او را از پشت سر تکان دادم و دیدم هیچ صدایی از او نمی‌آید. وحشت کرده و از آنجا فرار کردم. من او را نکشتم و قصد کشتن او را هم نداشتم، زمانی‌که من به محل درگیری رسیدم او با دیدن من فرار کرد و پس از فرار و بالارفتن از تپه سقوط کرد». با تلاش‌های وکیل‌مدافع جواد، ثابت شد که موکل او قصد قتل محمد را نداشته و از اتهام قتل عمد

مرحوم «محمد» تبرئه شد، اما بافشاری خانواده مقتول در اقدام به قتل عمد جواد باعث شد که دادگاه مراسم قسامه برگزار کند. خانواده مقتول با احضار ۵۲ نفر از خویشاوندان نزدیک خود به دادگاه و ذکر قسم و شهادت مبنی بر اینکه آنها یقین دارند متهم پرونده موجب‌قتل محمد را فراهم کرده است، متهم پرونده را محکوم به قصاص کردند. پس از آن به دلیل ناتوانی خانواده جواد در تهیه مبلغ دیه موضوع در دستور کار خبرنگاران روزنامه «شرق» و گروه خبریه یاران نجات قرار گرفت که در نهایت با مساعدت مثال‌زدنی هم‌وطنان نیکوکار مبلغ درخواستی اولیای‌دم مقتول تهیه و پس از اخذ رضایت از اولیای‌دم، جواد از زندان آزاد شد. این نوازنده چیره‌دست پس از آزادی از زندان در گفت‌وگو با خبرنگار «شرق» گفت: «زمانی که حکم اعدام مرا در دادگاه صادر کردند اصلا فکر نمی‌کردم از اعدام نجات پیدا کنم. من می‌خواهم از مردم عزیز سراسر کشور که برای نجات من زحمت کشیدند، تشکر کنم. من دست همه آنها را می‌بوسم؛ چه آنهایی که از طریق روزنامه «شرق» کمک کردند و چه آنهایی که از طریق گروه یاران نجات کمک کردند. از مسئولان زندان و رئیس زندان، جناب آقای محمدی و همچنین اعضای شورای حل اختلاف ویژه صلح و سازش قتل و خاندان «آقا سید نصرالدین حیدری» هم که متحمل زحمات زیادی شدند، تشکر می‌کنم و دست همه ای عزیزان را می‌بوسم. من برای جبران مهربانی‌های هم‌وطنان می‌خواهم عضو کوچکی از

شرق: جوان متهم به قتل که مدعی است دوستش را کشته چون به کسی تجاوز کرده بود، پای میز محاکمه رفت و جزئیات قتل را توضیح داد.

به گزارش خبرنگار ما، هرچند وکیل‌مدافع این مرد مدعی بیماری ژنتیکی روانی مولکس، او را از مسئولیت کیفری مصون می‌کند، اما دادگاه این دلایل را قبول نکرد و متهم را به قصاص محکوم کرد.

۲۶ تیر سال ۹۵، به‌دنبال تماس تلفنی فردی به‌نام محمدرضا که نگهبان کانکس بود، مأموران در جریان قتل مرد جوانی زیر لپ قرار گرفتند. خیلی زود مأموران کشت کلانتری در محل حضور یافتند و با جسد مردی که غرق در خون بود، روبه‌رو شدند. به دستور بازپرس کشیک قتل جسد مرد جوان به پزشکی قانونی انتقال یافت. به‌دنبال شناسایی هویت مقتول مشخص شد او از زمینه سرقت، زورگیری و گوشی‌قایی سوابق متعددی دارد و به همین دلیل هم از خانواده طرد شده و به کارتن‌خوابی روی آورده است.

بازداشت پسر جوانی که در جریان سرقت از یک مغازه مرغ‌فروشی در خیابان آیت‌الله سعیدی، با یک ضربه چاقو به گردن مقتول شده بود.

حوادث

متهم اعتراف کرد:

دختر ۱۲ ساله‌ام لپ‌تاپ خواست، او را کشتم



بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

درنمی‌آید، وحشت کرده و از آنجا فرار کردم. من او را نکشتم و قصد کشتن او را هم نداشتم، زمانی‌که من به محل درگیری رسیدم او با دیدن من فرار کرد و پس از فرار و بالارفتن از تپه سقوط کرد». با تلاش‌های وکیل‌مدافع جواد، ثابت شد که موکل او قصد قتل محمد را نداشته و از اتهام قتل عمد مرحوم «محمد» تبرئه شد، اما بافشاری خانواده مقتول در اقدام به قتل عمد جواد باعث شد که دادگاه مراسم قسامه برگزار کند. خانواده مقتول با احضار ۵۲ نفر از خویشاوندان نزدیک خود به دادگاه و ذکر قسم و شهادت مبنی بر اینکه آنها یقین دارند متهم پرونده موجب‌قتل محمد را فراهم کرده است، متهم پرونده را محکوم به قصاص کردند. پس از آن به دلیل ناتوانی خانواده جواد در تهیه مبلغ دیه موضوع در دستور کار خبرنگاران روزنامه «شرق» و گروه خبریه یاران نجات قرار گرفت که در نهایت با مساعدت مثال‌زدنی هم‌وطنان نیکوکار مبلغ درخواستی اولیای‌دم مقتول تهیه و پس از اخذ رضایت از اولیای‌دم، جواد از زندان آزاد شد. این نوازنده چیره‌دست پس از آزادی از زندان در گفت‌وگو با خبرنگار «شرق» گفت: «زمانی که حکم اعدام مرا در دادگاه صادر کردند اصلا فکر نمی‌کردم از اعدام نجات پیدا کنم. من می‌خواهم از مردم عزیز سراسر کشور که برای نجات من زحمت کشیدند، تشکر کنم. من دست همه آنها را می‌بوسم؛ چه آنهایی که از طریق روزنامه «شرق» کمک کردند و چه آنهایی که از طریق گروه یاران نجات کمک کردند. از مسئولان زندان و رئیس زندان، جناب آقای محمدی و همچنین اعضای شورای حل اختلاف ویژه صلح و سازش قتل و خاندان «آقا سید نصرالدین حیدری» هم که متحمل زحمات زیادی شدند، تشکر می‌کنم و دست همه ای عزیزان را می‌بوسم. من برای جبران مهربانی‌های هم‌وطنان می‌خواهم عضو کوچکی از

گروه یاران نجات باشم و هر زمان که اراده کنید برای نجات زندانیان محکوم به قصاص کنسرت موسیقی برگزار می‌کنم و طبق قولی که دادم برای اجرای کنسرت موسیقی به کرمانشاه و تهران می‌آیم. او ادامه داد: روزهای سختی را در زندان گذراندم و تنها دلخوشی زندگی‌ام شنیدن خبر کمک هم‌وطنان عزیز سراسر کشور بود. دوست داشتم هنگام زلزله غرب کشور به مردم خدمت کنم اما روسیهام که در زندان بودم و نتوانستم کاری برای مردم زلزله‌زده انجام دهم. درود بر نیکوکاران عزیز کشورم که زندانیان زندان دیزل‌آباد کرمانشاه به‌هنگام نماز دعاگو ی آنها هستند». جواد بیست‌وپنجمین زندانی‌ای است که با همکاری مشترک روزنامه «شرق» و پوشش مردمی یاران نجات از اجرای حکم قصاص رهایی یافته است.

پرونده جدید

در جریان امور مربوط به آزادی جواد، خبرنگار «شرق» در شورای حل اختلاف ویژه صلح و سازش قتل استان کرمانشاه با مادر بیمار یک مقتول مواجه شد که فرزندش در جریان یک نزاع خیابانی با دوستش فوت شده بود و برای تعیین‌تکلیف قاتل فرزندش حکم استیذان او از دیوان‌عالی کشور رسیده بود، به شورا مراجعه کرده بود. این مادر دردکشیده و مهربان برای اجرای حکم قصاص قاتل فرزندش تردید داشت و در گوشه‌ای از شورای حل اختلاف اشک می‌ریخت.

بر اساس مندرجات دادنامه پلیس کرمانشاه در دوم مهر ۹۳ در جریان یک نزاع منجر به جرح قرار گرفت که مجروح پس از انتقال به بیمارستان بر اثر جراحات وارده فوت کرد. پس از تحقیقات اولیه پلیس آگاهی کرمانشاه، ضارب شناسایی و در شهرستان کرج دستگیر شد. قاتل به نام محمدرضا در جریان محاکمه در دادگاه درباره علت قتل گفت: «من و مقتول سال‌ها

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

قصاص برای مردی که دوستش را کشت

در نخستین تحقیقات، مأموران متوجه شدند مقتول با فردی به نام سامان اختلاف داشت. به‌این‌ترتیب سامان بازداشت و برای بازجویی به اداره آگاهی انتقال یافت. او به قتل اعتراف کرد و گفت: پسر جوانی که از هم‌محل‌هایمان و دوست من بود، گفت کیارش با او تجاوز کرده و بعد هم گوشی تلفن همراهش را گرفته و پس نمی‌دهد. او به من گفت به دلیل وضعیت که پیش آمده است، از خانواده‌اش می‌ترسد و نمی‌خواهد دراین‌باره چیزی بگوید. دوستم خیلی ناراحت بود، حالش بد بود و مدام گریه می‌کرد. به همین دلیل من سراغ کیارش رفتم و زمانی که رسیدم، او در حال استعمال مواد مخدر بود، از او خواستم گوشی پسر جوان را پس بدهم اما بی‌اعتنایی کرد؛ سر همین موضوع با هم درگیر شدیم، او چاقو در آورد درحالی‌که می‌خواست به من چاقو بزند، دستش را گرفتیم و با همان چاقو به او ضربه‌ای زدم و بعد آنجا را ترک کردم. البته متوجه مرگش نشدم چند روز بعد مأموران من را بازداشت کردند و آن زمان بود که فهمیدم کشته شده است.

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

افزایش باید.به این ترتیب، بازجویی فنی و مرور مدارک و جزئیات پرونده در دستور کار پلیس قرار گرفت و در آن پدر خانواده دچار ضدونقیض گویی شد و در نهایت به قتل دختر ۱۲ ساله خود اعتراف کرد.

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

افزایش باید.به این ترتیب، بازجویی فنی و مرور مدارک و جزئیات پرونده در دستور کار پلیس قرار گرفت و در آن پدر خانواده دچار ضدونقیض گویی شد و در نهایت به قتل دختر ۱۲ ساله خود اعتراف کرد.

این پدر که اکنون به اتهام قتل در بازداشت به سر می‌برد، در اعترافات خود گفت: دختر من بیماری «راشیتیس» داشت و همین باعث شده بود که هزینه زیادی برای درمان پرداخت کنم که گاهی واقعا برایم مشکل بود. روز حادثه به خانه رفتم و دخترم از من خواست برایش لپ‌تاپ بخرم، اما من به او گفتم که نمی‌توانم این کار را بکنم و سر همین موضوع با هم جروبحث کردیم، اما او از خواسته‌اش کوتاه نمی‌آمد. عصبانی شدم و جعبه دستمال کاغذی را به سمتش پرتاب کردم. بعد یادم نمی‌آید چه اتفاقی بین ما رخ داد که من عصبانی‌تر شدم و ملافه را دور گردنش پیچیدم. بعد از لحظاتی متوجه شدم دیگر تکان نمی‌خورد؛ به همین دلیل خیلی ترسیدم و فوری از خانه بیرون رفتم و وانمود کردم که پشت در مانده‌ام. از همسایه‌ها کمک خواستم تا وارد خانه شوم و بعد ماجرابی را که از اول تعریف کرده بودم، پیش خدوم ساختم. اعترافات پدر خانواده پرونده وارد مرحله جدیدی شد و این مرد به اتهام قتل بازداشت شد و در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت تا تحقیقات کامل شود.

نوازنده محکوم به قصاص آزاد شد؛ یک زندانی دیگر در انتظار کمک‌های مردمی

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم از سوی پدر خانواده وجود نداشت، پدر در آستانه آزادی قرار گرفت.با وجود این، بازپرس قبل از دستور آزادی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خواست بار دیگر پدر بازجویی شود تا احتمال کشف واقعیت

بازداشت پدر خانواده را صادر کرد اما پس از مدت کوتاهی با توجه به اینکه سرنخی برای شناسایی قاتل به دست نیامد و دلیلی بر اثبات جرم